روزنامه صبح
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی
توسعه ایرانی

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع رسانی و خبرگزاری ایلنا
مدیر مسئول: مسعود حیدری
زیر نظر شورای سردبیری

چاپ: کارو کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه نرسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲
تلفن تحریریه: ۶۶۹۵۶۶۰۰(۰۲۱)
toseeirani.ir

به بهانه اجرای قطعه‌ای به یاد قربانیان حلبچه در کنسرت کیهان کلهر

فریاد شهر خاموش

عکس: حسین حاجی‌بابایی

بیتا یاری

۳۱ سال پیش، بیست و پنجم اسفندماه سال ۶۶ صبح آن روزی که مردمان بی‌دفاع حلبچه زیر بمباران شیمیایی هرگز از خواب برنخاستند صبحی که جان ۵هزار زن، کودک و آدم بی‌پناه، قربانی حرص جنگ‌افروزی صدام حسین شد و بیش از ۹هزار نفر مصدوم برجای گذاشت که هنوز هم جای‌جای آن شهر از آن حادثه رنج می‌کشد؛ جهانیان در بی‌خبری صبحشان را آغاز کردند و زندگی جاری شد؛ چراکه رسانه‌ها در همراهی با دیکتاتور عراق، نسل‌کشی کردهای عراقی به دست حاکم کشورشان را مسکوت گذاشتند تا این جنایت ناشنیده بماند و فروش سلاح‌های شیمیایی باز هم بتواند ادامه یابد. هرچند که چند ماه بعد دیگر جنگ پایان یافت و صلح برقرار شد اما درد ناگفته این مردمان التیامی نداشت؛ حتی برای کسی که تنها آن را می‌شنید. ۳۱ سال بعد کیهان کلهر، نوازنده کمانچه و آهنگساز که خود نیز خانواده‌اش را در جنگ هشت‌ساله ایران و عراق آن هم در بمباران تهران از دست داده است آلبومی منتشر ساخت با قطعه‌ای به یاد قربانیان نسل‌کشی جنایت‌کارانه در حلبچه. قطعه‌ای که این روزها کلهر اجرای زنده آن را به روی صحنه برده است.

«شهر خاموش» نام قطعه‌ای که نام آلبوم نیز برگرفته از آن است چیزی حدود ۳۰ دقیقه است و یکی از طولانی‌ترین قطعات ساخته‌شده در این دهه‌هاست. ماحصل همکاری او با کوارتت زهی بروکلین رایدر. ۳۰ دقیقه زمان طولانی‌ای برای هر آهنگسازی است که بخواهد با غول متریال سازی برای هر لحظه دست‌وپنجه نرم کند و موسیقی بسازد. و این چالش بزرگ در دستان کلهر راهی برگزیده که چیدمان قطعه را نیز پی‌ریخته است.

کلهر در مقام آهنگساز، این قطعه را در چند فضای متفاوت و گوناگون ساخته است که حاصل تجربه‌های متفاوت او در عرصه نوازندگی موسیقی ایرانی، همکاری با گروه‌های خارج از ایران و زندگی در آمریکاست. از این‌رو تکه‌های متفاوتی در این قطعه پشت سر هم شنیده می‌شوند که می‌توانند به‌تنهایی قطعه‌ای مستقل باشند اما در این قطعه همگی در کنار هم نشسته‌اند و به دنبال هم آمده‌اند تا در یک کلیت بزرگ‌تر تشکیل یک قطعه چندریخت یکتا را بدهند. در این فضا که گاهی موسیقی زهی غربی، گاهی موسیقی ایرانی و گاهی موسیقی نواحی ایران با سازهای زهی غربی و همراهی کمانچه نواخته می‌شوند حتی اگر تجربه‌ای برای آهنگساز باشند یا نه؛ بیشتر درک و مقصود آهنگساز را از همراهی جهان‌های متفاوت موسیقی با یکدیگر نشان می‌دهد که چگونه می‌توانند به‌جای ترکیب و درهم‌تنیدگی آن‌ها، هرکدام را با فاصله در کنار دیگری نشاند و این فاصله‌ها و تضادها را حفظ کرد و البته با هم و در کنار هم برای یک هدف بود. از این روست که شنیدن شهر خاموش نه‌تنها روشن‌کننده دید کلهر به رویدادهای دنیا از دریچه موسیقی است بلکه دنیایی از موسیقی و فرهنگ‌های مختلف را در دل رویداد موسیقیایی خویش از نگاهی هم‌نشین‌پذیر و مسالمت‌آمیز جای داده است. از این‌رو می‌توان آن را دیگر قطعه‌ای دانست که فرهنگ و آهنگ و آهنگساز را یکجا فریاد می‌کشد.

نوا

«گفتگوی هارمونیک» ۱۵ ساله شد

سایت موسیقایی «گفتگوی هارمونیک» ۱۵ ساله شد. گفتگوی هارمونیک از روز نخست تا ۱۵ سالگی به تعداد ۵۵۵۱ شماره نوشته به اشتراک گذاشته است که ۲۵۲ شماره در شاخه موسیقی جز و بلوز، ۱۵۵ شماره در شاخه موسیقی راک، ۱۴۷ شماره در شاخه فیزیک و مهندسی موسیقی، ۷۶ شماره در شاخه موسیقی فیلم، ۲۸۲ شماره در شاخه موسیقی ملل، ۳۸۶ شماره در شاخه موسیقی معاصر، ۱۳۲۸ شماره در شاخه موسیقی کلاسیک غربی، ۲۸۰۰ شماره در شاخه موسیقی کلاسیک ایرانی، ۲۰۹ شماره در شاخه مبانی نظری موسیقی کلاسیک، ۳۶۱ شماره در شاخه مصاحبه و گفتگو، ۶۸۷ شماره در شاخه مطالب عمومی، ۹۳۶ شماره در شاخه نقد و بررسی، ۶۸۵ شماره در شاخه اخبار موسیقی، ۸۲ شماره در شاخه تئوری و مبانی موسیقی جز، ۳۲۰ شماره در شاخه دانستنی‌های موسیقی و ۶۰۰ شماره در شاخه ساز و نوازندگی قرار دارد.

فراخوان سیزدهمین جشنوارهٔ ملی موسیقی جوان

فراخوان شرکت در سیزدهمین جشنواره موسیقی جوان به دبیری هومان اسعدی در روزهای پایانی سال گذشته منتشر شد. در این جشنواره علاقمندان در سه بخش «موسیقی دستگاهی ایران»، «موسیقی کلاسیک» و «موسیقی نواحی ایران» از مناطق مختلف کشور به رقابت خواهند پرداخت. این جشنواره در قالب سه گروه‌سنی «الف» (۱۵ تا ۱۸ سال، متولدین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳)، «ب» (۱۹ تا ۲۳ سال، متولدین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۹) و «ج» (۲۴ تا ۲۹ سال، متولدین سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۴) برگزار می‌شود. متقاضیانی که سن آنها از ۱۵ سال کمتر است نیز، در صورت آمادگی و تمایل، می‌توانند آثار خود را برای بررسی در گروه «الف» ارسال کنند. همچنین، در حوزهٔ موسیقی دستگاهی، علاوه بر بخش «حفظ کل ردیف موسیقی ایرانی»، «بخش ویژهٔ موسیقی دستگاهی» با موضوع «آفرینش در تکنوازی» در نظر گرفته شده است. در این بخش نوازندگان سازهای موسیقی کلاسیک ایرانی (تار، سنتور، سه‌تار، عود، قانون، کمانچه، نی)، با سقف سنی ۲۹ سال، مجاز به شرکت هستند. علاقه‌مندان می‌توانند برای اطلاع از جزئیات این دوره از جشنواره به متن کامل فراخوان (فایل پی‌دی‌اف) در سایت انجمن موسیقی ایران به نشانی www.nay.ir رجوع کنند.

نو نوا

اثر جدید مهران روحانی

دلتنگی‌ها، آهنگساز: مهران روحانی، ارکستر زهی اسلیون، رهبر: پائولو پارونی، ناشر: موسسه ماهور، تاریخ نشر: نوروز ۹۸.

دلتنگی‌ها در سه موومان برای ارکستر زهی و بر مبنای سه ترانه مشهور ایرانی از سه آهنگساز گوناگون نوشته شده است. این موسیقی و دیگر آثاری که به این گونه نوشته شده‌اند منعکس کننده احترام و عشق مهران روحانی به آهنگسازان و آثارشان در سرزمین مادری اوست. روحانی باور دارد که نغمه‌های زیبا و ملودی‌های بسیار شیرینی در مناطق مختلف ایران موجودند که باید آن‌ها را شناخت و در کنسرت‌های موسیقی و آثار آهنگسازان به کار گرفت. موومان اول، «عشق»، بر مبنای ترانه «الهه‌ی ناز» اثر استاد علی‌اکبر محسنی نوشته شده و بیانگر ارزش‌های عشق و تاثیر آن در زندگی است. موومان دوم، «صبر»، بر مبنای ترانه «سنگ خارا» اثر استاد علی تجویدی نوشته شده است. موومان نهایی «وصال»، در واقع نتیجه داشتن «عشق» واقعی با «صبر» پایدار و طولانی است. این موومان بر مبنای ترانه «بهار دلنشین» اثر معروف استاد روح‌الله خالقی نوشته شده‌است.

هزار توی شنیدار

مروری بر کتاب «شوئنبرگ» نوشتهٔ چارلز روزن

شوئنبرگِ پیش‌رو، شوئنبرگِ نئوکلاسیک

آروین صداقت کیش

آرنولد شوئنبرگ آهنگساز سنت‌شکن افسانه‌ای قرن بیستم پیش‌رو بود یا کهنه‌گرا یا میان این دو وضعیت ایستاده بود؟ سؤال بسیار عجیبی است مخصوصاً وقتی می‌دانیم او و دو شاگرد اصلی‌اش (آنتون وبرن و آلبان برگ) ستون‌های اصلی مدرنیسم موسیقی در نیمه‌اول قرن بیستم را تشکیل دادند. جواب برای کسی که اغلب صفت «سنت‌شکن» همراه اسمش به کار می‌بریم بی‌نیاز از جستجو و حتی بدیهی به نظر می‌رسد. معلوم است؛ پیش‌رو و بلکه در دوران خودش پیش‌روترین. جواب چنین سؤالی اما نزد موسیقی‌شناس‌ها و نویسندگان موسیقی به این اندازه که دیدیم واضح و بدیهی نیست. به همین دلیل در قرن بیستم و حتا هنوز هم گاهی نویسندگان و متفکران موسیقی خود را ناگزیر از پرسیدن همین سؤال دربارهٔ شوئنبرگ و دیگر بازیگران برجسته تغییرات بزرگ موسیقایی در اوایل قرن بیستم (مثل استراوینسکی و بارتوک) می‌بینند. یک نمونه مشهور، تئودور آدورنو برای چنین مسئله‌ای در اواخر دههٔ ۱۹۴۰ کتاب «فلسفه‌ی موسیقی مدرن» را نوشت و درنهایت به این نتیجه رسید که شوئنبرگ پیش‌رو است و استراوینسکی واپس‌گرا (محافظه‌کار).

چارلز روزن موسیقی‌دان و نویسندهٔ آمریکایی نیز در کتابش که در دههٔ ۱۹۹۰ نوشته و به‌تازگی ترجمه‌ای از آن را انتشارات ناهید منتشر کرده به این مساله پرداخته است. نویسنده در چهار فصل اصلی «اکسپرسیونیسم»، «آتونالیته»، «انجمن اجرای خصوصی موسیقی» و «سریالیسم و نئوکلاسیسیسم»، مهم‌ترین دوره‌های کار آهنگساز برجسته را برای خوانندهٔ میانه‌حال (نه برای خواننده مبتدی و نه برای خواننده متخصص) شرح داده است.

او در کتابش با بررسی آثار شوئنبرگ و هم‌دوره‌هایش و همچنین گاه‌گاه مسائل اجتماع و ... نشان می‌دهد که چطور آغاز بسیار تندروانهٔ (یا شاید پیش‌روانه) او درنهایت به مستقر کردن یک «سیستم» موسیقایی و نوعی بازگشت به فرم‌های سنتی (کلاسیک) منجر شد. از این بابت او خوانش امروزه تثبیت‌شده‌ای را به خواننده ارائه می‌کند. اغلب تاریخ‌نویسان و تحلیل‌گران امروزی حرکت شوئنبرگ پس از دورهی سکوت از اواسط دهه ۱۹۱۰ و اوایل ۱۹۲۰ را چنین تفسیر می‌کنند که شوئنبرگ برای آن که بتواند گرایش آتونال خودش را سر پا نگهدارد و روش آهنگسازی آموزش‌پذیری برای آن به وجود بیاورد مجبور شد اولاً تئوری دوازده-تنی را بنیان بگذارد و ثانیاً توجه بیش از پیش به قالب‌ها و روابط فرمی کلاسیک بکند. در حقیقت او بیشتر برای این که بتواند قطعات بلندتر و منسجم‌تری از لحاظ فرمی خلق کند (که مشکل دورهٔ آتونال آزاد بود) ناگزیر شد از برخی آزادی‌هایی که در ابتدا به آنها رسیده بود دست بشوید یا حداقل عقب‌نشینی کند.

مانند قطعه «نردبان یعقوب»، از دورهٔ سکوت که در ساختارش حتی جمله‌های ملودیک بلند و تریادهانیز به صحنه بازگشته‌اند (ص ۸۸). از دید چارلز روزن همین سیر تحول در قطعات و تفکر موسیقایی شوئنبرگ است که کار او را در دههٔ ۱۹۲۰ و پس از پدیدار شدن سریالیسم شایسته عنوان «نئوکلاسیک» می‌کند گرچه خودش هر دو دوره را انقلاب (اول و دوم) لقب داده باشد (ص ۴۱). و از همین جا نظر خاص روزن خودش را نشان می‌دهد. در تاریخ موسیقی اغلب این عنوان برای سبک و سیاق ایگور استراوینسکی در دوره‌ای از فعالیتش (و به‌ندرت برخی دیگر از آهنگسازان همان دوره) به کار می‌رود و به‌هرروی کاربردش برای شوئنبرگ (حتا دوره‌ای خاص از زندگی کاری‌اش) چندان مرسوم نیست اما روزن استدلال‌های نسبتاً متقاعدکننده‌ای برای کاربردش می‌آورد.

«شوئنبرگ» چارلز روزن که در زبان انگلیسی همراه بسیاری زندگی‌نامه‌ها (مثل کتاب ویلی رایش)، تک‌نگاری‌ها (مثل کتاب آرنولد ویتال)، آثار تحلیلی سبک‌شناسانه (مثل کتاب‌های جورج پرل و رنه لیبُوویتز) و تاریخ‌های موسیقی عمومی یا محدود به یک دوره درباره زندگی، آثار و دوران آرنولد شوئنبرگ در دسترس است، در زبان فارسی در موقعیتی ویژه قرار گرفته است؛ تنها تک‌نگاری موجود درباره این آهنگساز. این امر آنجا اهمیت بیشتری می‌یابد که بدانیم ترجمه «مهرنوش غضنفری» متأسفانه ترجمه نسبتاً بدی است و در مواردی خواننده فارسی‌زبان را حتی گمراه می‌کند. نشانه‌های عیب و ایرادهای ترجمه را حتی بدون مقابله هم می‌توان دریافت. متن از آن متن‌هایی است که حتی فارسی‌اش به خواننده

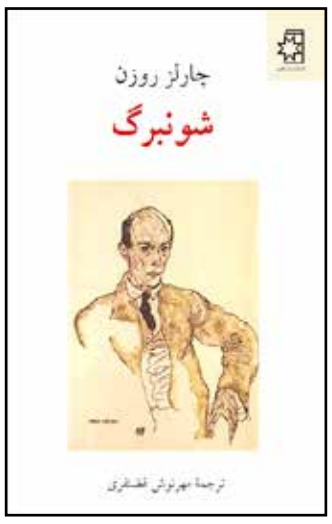

نسبتاً آشنا با زمینه موضوع پیام می‌دهد که چیزی سر جایش نیست. کافی است بخوانیم «با تقسیم‌بندی سریال به موتیف‌هایی که به خوبی معین شده‌اند [...]» (ص ۱۱۱) یا «به این ترتیب یک ملودی می‌تواند به ملودی خود اشاره داشته باشد، همان گونه که بیشتر نغمه‌ها این کار را انجام می‌دهند» (ص ۴۶) یا «رهایی از مفهوم هارمونیک اصلی در کادانس» (ص ۴۷) تا متوجه شویم دست‌کم ترجمه‌ای با دقت کم را می‌خوانیم.

پنجمین کنکور نوازندگی فلوت در حال برگزاری است

در نوازندگان فلوت عزم جدی برای شرکت در رقابت نیست!

پنجمین کنکور نوازندگی فلوت توسط انجمن فلوت ایران به دبیری دکتر آذین موحد از ۲۴ تا ۳۱ فروردین در تالار آوینی پردیس هنرهای زیبا برگزار می‌شود.

دکتر آذین موحد، عضو هیئت علمی گروه موسیقی دانشگاه تهران و بنیان‌گزار انجمن فلوت ایران در مورد این مسابقه توضیح داد: «انجمن فلوت ایران که کانون متمرکز بر فعالیت‌های تخصصی نوازندگی فلوت در پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران است، پنجمین کنکور حرفه‌ای خود را از تاریخ ۲۴ تا ۳۱ فروردین ۱۳۹۸ در تالار آوینی پردیس هنرهای زیبا برگزار خواهد کرد. این مسابقه هر ۴ سال توسط انجمن فلوت ایران برگزار می‌شود و هدف آن آشنا کردن نوازندگان ایرانی با استانداردهای حرفه‌ای نوازندگی فلوت کلاسیک و همچنین معیارهای حضور در کنکورهای بین‌المللی و آشنایی بانحوه داوری در کنکورهای بین‌المللی است. این کنکور در سه مرحله برگزار خواهد شد و ۱۸ شرکت‌کننده که سن آنان تا زمان برگزاری کنکور بیش از ۳۰ سال نخواهد بود در آن ثبت نام کرده‌اند.»

همچنین موحد دبیر هنری انجمن فلوت ایران در مورد چرایی حضور تعداد اندکی از نوازندگان فلوت در این کنکور گفت: «ایجاد بسترهای مناسب برای تجربه استانداردهای بین‌المللی توسط فلوتیست‌های ایرانی از وظایف انجمن فلوت ایران است و این انجمن بدون در نظر گرفتن تعداد شرکت‌کنندگان در برنامه‌های خود، و با تعهد به پیاده کردن کیفی پارامترهای فرهنگی هنر موسیقی، وظیفه خود می‌داند که فرصت تجربه‌ی نوازندگی بر اساس معیارها و سنن بین‌المللی را برای آن دسته از نوازندگان ایرانی، هر چند نادر، که تمایل و قابلیت تجربه این استانداردها را دارند فراهم کند. جای تعجب نیست که ۴ نفر از افرادی که در این کنکور ثبت نام کرده بودند، قبل از برگزاری، صحنه رقابت را ترک کرده و انصراف داده‌اند. انجمن فلوت ایران حتی چنین تجربه‌هایی را در کارنامه نوازندگان جوان بسیار مثبت تلقی می‌کند، زیرا نشان‌دهنده عزم آنان برای ورود به چرخه‌های حرفه‌ای نوازندگی فلوت و آشنا شدن با استانداردهای بین‌المللی و نه معیارهای اقتصادی در ایران می‌پندارد و تلاش و ممارست برای شرکت در این کنکور را تصمیم جوانان شرکت‌کننده در ایجاد چالش واقعی برای رشد و تحول خود به سمت معیارهای واقعی هنر که در جهان شناخته شده است می‌داند. آماده کردن سه برنامه متفاوت که در فاصله زمانی کوتاه اجرا خواهد شد، آماده کردن یک قطعه معاصر که تا به حال توسط هیچ هنرمند دیگری اجرا نشده باشد، مدیریت فراگیری، تمرین با پیانیست و آمادگی نهایی برای حضور مؤثر در کنکور جریان بسیار زمان‌بر و متمرکزی است که هر کس قابلیت تجربه آن را ندارد. جای تعجب است که جوانان بسیاری در صحنه‌های رسمی موسیقی در کشور همچون ارکسترهای مختلف، پروژه‌های سرمایه‌گزاری‌شده موسیقی، تدریس در هنرستان‌ها و در دانشگاه‌های علمی-کاربردی مشغول به کار هستند و از نظر سنی شرایط شرکت در این کنکور را دارند، هیچ‌یک عزم شرکت در یک کنکور با استانداردهای بین‌المللی را نداشته و تمایلی به چالش نوازندگی حرفه‌ای فلوت، آن گونه که در جهان مرسوم است نشان نداده‌اند. انجمن فلوت ایران امیدوار است با اجرای این برنامه‌ها تمایل نوازندگان سازهای کلاسیک در ایران را به سمت معیارهای حرفه‌ای آن گونه که در جهان مرسوم است بالا ببرد.»